

# جایگاه قبور بزرگان در سنت یهود بررسی در منابع عهدینی و روایات اسلامی

سیدسلیمان موسوی<sup>۱</sup>

## چکیده

در روایات شیعه و سنی از قرار دادن قبور به منزله مسجد نهی شده است و آن را شیوه یهود دانسته‌اند. این روایات افزون بر اینکه ظاهراً با آیه ۲۱ سوره کهف در تعارض است، با آیاتی که درباره آزار و قتل پیامبران به دست یهودیان است نیز ناسازگار است. در این پژوهش بر آنیم تا با دیدی فرااسلامی و به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی دریابیم جایگاه قبور بزرگان در فرهنگ یهود چگونه بوده است.

با توجه به منابع عهدینی می‌توان گفت سنت زیارت، توسل و حتی سجده بر قبور بزرگان جزو «سنت‌های عامه» (minhag ha'am) در میان یهود بوده است. گروهی از فقهای یهود از ترس شرک‌آلود شدن این سنت تلاش کردند آن را تا حد امکان محدود کنند. از روایات اسلامی برمی‌آید که این سنت یهود در عصر پیامبر ﷺ در حجاز و اطراف آن شکلی شرک‌آمیز به خود گرفته بود. از این رو به سبب ترس از نفوذ چنین رفتارهایی در میان مسلمانان، چنان نهی‌هایی در روایات پدید آمد.

**کلیدواژه‌ها:** یهود، زیارت قبور، سجده کردن، اصحاب کهف

۱. طلبه سطح خارج حوزه خراسان، دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی،

مشهد، ایران، (m\_soleyman@yahoo.com)

## مقدمه

مسئله بزرگداشت اولیای الهی به طور اجمال میان فرق اسلامی پذیرفته شده است. اما در میزان این تکریم و احترام اختلاف است؛ بعضی از مسلمانان به خصوص وهابیت در موضوع توجه به قبور اولیا، نگاهی سخت‌گیرانه و حداقلی دارند و بسیاری از اموری که مسلمانان انجام می‌دهند را شرک یا دارای شائبه شرک می‌دانند؛ اما بسیاری از مسلمانان این نگاه را نپذیرفته‌اند و دلایلی بر جواز آن اقامه می‌کنند. این دو نگاه، سرمنشأ اختلافات زیادی در بین مسلمانان شده است. یکی از مسائل مورد بحث در بین فرق اسلامی، موضوع مسجد قرار دادن قبور اولیای الهی است؛ از نگاه سلفیه و نظریه‌پرداز اصلی آن، یعنی ابن تیمیه، چند امر از مصادیق مسجد قرار دادن قبور است؛ از جمله نماز خواندن در کنار قبر و رو به قبر یا بالای قبر) ساختن مسجد بر قبور و در جوار قبور، ساختن گنبد بر قبور، سجده بر قبر، تبرک به قبر، دعا نزد قبر، طلب حاجت از صاحب قبر، استغاثه به او، قسم به خدا به حق او، گذاشتن قرآن بر قبر به منظور قرائت قرآن. برخی از این مصادیق در دیگر مذاهب اهل سنت نیز مصداق مسجد قرار دادن قبور دانسته شده است. (حیدری‌نسب، ۱۳۹۵ش، ۹۷-۹۴)

منشأ این آرا روایاتی است که در منابع فریقین گزارش شده است. در این روایات مسجد قرار دادن قبور کار پسندیده‌ای شمرده نشده و ادامه سستی غلط میان یهود دانسته شده است. در این روایات بیان شده است که یهود از قبور انبیای خود به عنوان مسجد و عبادتگاه استفاده می‌کردند.

این روایات با ظاهر آیه ۲۱ سوره کهف، که حاکی از جواز احداث مسجد روی قبور است<sup>۱</sup> و همچنین با آیاتی که از رفتارهای ناشایست بنی‌اسرائیل با

۱. «وَكذَلِكَ نُعَذِّبُهُمْ لِئَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ مِنِّيهِمْ أَمْرُهُمْ فَعَالُوا إِنبُؤُوا عَلَيْهِمْ بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا» «و این گونه [مردم آن شهر را به وسیله آن سکه قدیمی] از حال آنان آگاه کردیم تا بدانند که وعده خدا [در برانگیختن مردگان ←

انبیاء و قتل آنان سخن گفته،<sup>۱</sup> ناسازگار است؛ زیرا افزون بر عدم جواز ساخت مساجد روی قبور بر بزرگداشت انبیای الهی از سوی یهودیان نیز دلالت می‌کند. این روایات و بحث‌های مربوط به آن، نگارنده را بر آن داشت تا به بررسی ادعای این احادیث، یعنی جایگاه قبور بزرگان در سنت یهود، بپردازد. در این پژوهش سعی شده است تا به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی و با رجوع به منابع عهدینی<sup>۲</sup> و روایی، جایگاه قبور بزرگان در سنت یهود بازشناسی شود. نگاهی فرااسلامی به این مسئله، که در پژوهش‌های مرتبط خلأ آن احساس می‌شود، می‌تواند افزون بر آشنا ساختن ما با پیشینه این سنت در میان یهود، به برداشتی تازه از این روایات نیز کمک کند.

→ در روز قیامت [حق است و در برپا شدن قیامت هیچ تردیدی نیست. هنگامی که [کاشفان غار] میان خودشان در کار آنان نزاع و ستیز داشتند، پس [یک گروه] گفتند: ساختمانی به روی [جایگاه] آنان بنا کنید [تا از دیده‌ها پنهان بمانند] البته پروردگارشان به آنان داناتر است. ولی آنان که بر کارشان [نسبت به اصحاب کهف] پیروز شدند، گفتند: به یقین مسجدی بر روی [جایگاه] آنان بنا خواهیم کرد» (کهف: ۲۱).

۱. مثال:

- «لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَ قَتَلَهُمُ الْآيَاتُ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ نَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ»؛ «محققاً خدا سخن کسانی را که گفتند: خدا نیازمند است و ما بی‌نیازیم، شنید. بی‌تردید آنچه را گفتند و [نیز] کشتن پیامبران را از روی ستم [در پرونده اعمالشان] می‌نویسیم و [روز قیامت] می‌گوییم: عذاب سوزان را بچشید»؛ (آل‌عمران: ۱۸۱)

- «قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِ يَاقُوتِ الْبَيْتَاتِ وَ بِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ»؛ «پیش از من پیامبرانی دلایل روشن و آنچه گفتید برای شما آوردند؛ اگر راست‌گویید، پس چرا آنان را کشتید؟»؛ (آل‌عمران: ۱۸۳)

- «فَمَا نَقِضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَ كُفِّرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ قَتَلِهِمُ الْآيَاتُ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ قَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا»؛ «پس به کیفر پیمان‌شکنی آنان و کفرشان به آیات خدا، و به ناحق کشتن پیامبران و گفتار [بی‌پایه و باطل]شان که دل‌های ما در پوشش و حجاب است [از این رو سخن حق را درک نمی‌کنیم، لعنتشان کردیم؛] بلکه به سبب کفرشان بر دل‌هایشان مُهر [محرومیت از فهم معارف] زدیم؛ به همین سبب جز اندکی ایمان نمی‌آورند». (نساء: ۱۵۵)

۲. منظور از منابع عهدینی، کتب و متون مقدس رسمی و غیر رسمی یهودیان و مسیحیان است.

## پیشینه بحث

در کنار شروح مختصری که در توضیح این روایات آمده است، (همچون آنچه در فتح الباری ابن حجر عسقلانی است) کانون اصلی توجه به این احادیث، بحث‌های مربوط به عقاید سلفیه است. از آنچه درباره عقاید سلفیه نگاشته شده و در آن به این روایات پرداخته شده است، می‌توان به این موارد اشاره کرد: «کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب» اثر سیدمحسن امین عاملی، واکاوی سندی و محتوایی حدیث «لعن الله الیهود و النصراری اتخذوا قبور انبیائهم مساجد» از مهدی عبادی، «نگاه تطبیقی دیدگاه وهابیت و مذهب حنفی در موضوع مسجد قرار دادن قبور اولیاء» از محمدباقر حیدری نسب، «پژوهشی درباره حدیث «اللهم لاتجعل قبری وثنا یعبد» از محمد اصغری نژاد، «مشروعیت دعا نزد قبور اولیای الهی» از غلامرضا رضایی.

در میان آثار یهودی نیز به موضوع تکریم و بزرگداشت قبور بزرگان توجه شده است. از میان این آثار می‌توان به مقاله «زیارت قبرستان باید مورد تشویق یا نهی قرار گیرد»<sup>۱</sup> اثر موشه زوریل<sup>۲</sup> اشاره کرد.

## منابع عهدینی

در مجموع شواهد در این منابع نشان می‌دهند سنت زیارت و توسل به قبور و حتی سجده بر آنها میان یهود جریان داشته است. این شواهد را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. شواهد جواز زیارت و توسل به قبور؛
۲. شواهد ممنوعیت زیارت و توسل به قبور.

1. Should Visiting the Cemetery be Encouraged or Discouraged?.

2. Moshe Zuriel .

## ۱. شواهد جواز زیارت و توسل به قبور

این شواهد را می‌توان در سه دسته از منابع جای داد:  
الف) عهدین و دیگر کتب مقدس غیر رسمی؛  
ب) تلمود و منابع فقهی یهود (هلاخا)؛  
ج) منابع عرفان یهود (کابالا).

### الف) عهدین و کتب مقدس غیر رسمی

#### مزار راحیل

شواهدی از قدمت زیارت قبور می‌توان به ماجرای دفن راحیل، همسر حضرت یعقوب علیه السلام، اشاره کرد. در سفر پیدایش چنین آمده است: «پس راحیل وفات یافت و او را در نزدیکی راه افرات، که بیت لحم هم نامیده می‌شد، دفن کردند. یعقوب روی قبرش ستونی از سنگ بنا کرد که تا به امروز باقی است». این آیات از دو جهت اهمیت دارد: اول ساخت بنای یادبودی بر قبر راحیل از جانب یعقوب و دوم عبارت پایان آیه بیستم که می‌گوید آن ستون و یادبود تا به آن روز باقی، و بیانگر توجه مداوم به آن مزار تا آن زمان بوده است.

زیارت حضرت یوسف علیه السلام از قبر مادرش راحیل نیز نشان از سنت زیارت و توسل به قبور در یهود دارد. در کتاب یاشار آمده است یوسف علیه السلام در مسیر اسارت به ناگاه موفق می‌شود از دست اسیرکنندگان فرار کند و خود را به قبر مادرش برساند. در آنجا یوسف علیه السلام به شدت گریه می‌کند و از مادرش می‌خواهد که از قبر برخیزد و او را یاری کند. به ناگاه یوسف علیه السلام صدای مادرش را می‌شنود که برای او گریه می‌کند؛ مادر او را تسلی می‌دهد و او را به یاد خداوند می‌اندازد (Sefer ha-Yashar, Genesis). در کتاب ارمیا نیز بیان شده است که در هنگام تبعید بنی‌اسرائیل، آنها متوسلانه از کنار قبر راحیل عبور کردند و راحیل پس از مشاهده حالت آنان گریه سر داد و خداوند به او وعده داد که پسران اسرائیل به زودی به وطن اصلی خود باز خواهند گشت. (ارمیا، ۳۱: ۱۶-۱۵)

### به سجده افتادن کالب بر قبر ابراهيم عليه السلام

داستان ديگري که بر جواز «توسل» و «سجده» بر قبور دلالت دارد، داستان رفتن «کالب بن يوفنا»، از اصحاب حضرت موسي عليه السلام، به غار مخيلا<sup>۱</sup> (محل دفن حضرت ابراهيم عليه السلام) است. در سفر اعداد آمده است: «آنان به سمت جنوب رفتند و او به هبرون رسيد»، (اعداد، ۱۳: ۲۲). در تلمود آمده است منظور از «او» همان کالب است؛ وي از جمله جاسوس هايي بود که موسي براي تفتيش از ورود به سرزمين موعود فرستاده بود. او در وسط راه از ديگران جدا شد و به سوي هبرون و غار مخيلا روانه شد. وي به حالت «سجده» روي قبور ابراهيم و فرزندان او افتاد و از آنان درخواست کمک کرد تا مأموريتش به سلامت به پايان برسد. (Sotah 34b:7)

### از قتل پيامبران تا احترام به قبورشان

در عهد جديد آياتي وجود دارد که مشاجرات بين حضرت مسيح عليه السلام و عالمان يهود را، که مشهور به فريسيان هستند، روايت مي کند. فريسيان فقيهاني از يهود بودند که بسيار بر ظواهر شرع دقت داشتند، اما از روح و معنای دين بي بهره بودند:

آنگاه عيسي خطاب به مردم و شاگردانش فرمود: «علمای مذهبي و فريسيان بر کرسی موسي نشسته اند و احکام او را تفسير مي کنند. پس آنچه به شما تعليم مي دهند بجا آوريد، اما هيچ گاه از اعمالشان سرمشق نگيريد، زيرا هرگز به تعاليمي که مي دهند، خودشان عمل نمي کنند». (متي: ۲۳)

عيسي عليه السلام در ادامه آيات بالا به فريسيان مطالبی مي گوید که نشان مي دهد بين يهوديان سنت احترام به قبور انبيا وجود داشته است:

وای به حالتان ای علمای دینی و فريسيان ریاکار! شما برای پيامبراني که اجدادتان کشتند، با دست خود بنای يادبود مي سازيد و قبر مقدسيني را که

1. Cave of the Patriarchs.

به دست آنان کشته شدند، تزیین می‌کنید و می‌گویید: «اگر ما به جای اجدادمان بودیم، پیامبران را نمی‌کشتیم». اما با این گفته به زبان خود اعلام می‌دارید که فرزندان قاتلان انبیا هستید. شما قدم به قدم از آنان پیروی می‌کنید؛ شما در اعمال بد از ایشان پیشی گرفته‌اید. ای مارهای خوش‌خط‌و‌خال! چگونه می‌توانید از مجازات جهنم جان سالم به‌در ببرید؟. (متی، ۲۳)

مسیح علیه‌السلام در این آیات آنها را ریاکار می‌خواند و می‌گوید: «هرچند پدران شما آن پیامبران را کشتند، اما شماها از آنها در بدی سبقت گرفتید». پاسخ این دوگانگی در رفتار یهود را یا می‌توان حاصل دورویی آنها شمرد یا اینکه آن را دو داستان مرتبط به دو نسل متفاوت دانست؛ یعنی آنها را کشته بود و دیگری قبر آنها را احترام می‌کرد.

#### ب) تلمود و منابع فقهی

##### زیارت قبور در ایام سختی

از دیگر شواهد، زیارت قبور در ایام خشکسالی و سختی است که سنت برخی عالمان یهود بوده است. در بیان علت چنین کاری دو تفسیر در تلمود بابلی بیان شده است: اول اینکه فروتنی و کوچکی‌مان را مقابل خداوند نشان دهیم و دوم اینکه از مردگان تقاضا کنیم برای ما از خداوند طلب رحمت کنند. تفاوت بین این دو تفسیر جایی مشخص می‌شود که اگر تفسیر اول درست باشد، می‌توان به نزد قبور غیر یهودی نیز رفت؛ اما در حالت دوم تنها می‌توان کنار قبور یهود رفت؛ زیرا غیر یهود برای یهود نزد خدا دعا نمی‌کنند. (7: taanit 16a)

##### علامت‌گذاری قبور بزرگان

در تلمود بابلی بیان شده است ریش لاکیش (۲۷۵م)<sup>۱</sup> همواره بر سر قبور بزرگان می‌رفت و با ماده سفیدی آنجا را علامت‌گذاری می‌کرد

1 Reish Lakish.

(Bava Metzia 85b).<sup>۱</sup> ربی یعقوب امدن<sup>۲</sup> (۱۷۷۶م) علت این کار را این می‌داند که وی می‌خواسته است به مردم نشان دهد در هنگام سختی‌ها به کنار کدام قبر بروند و دعا کنند (ZURIEL, 2013, p.215).

### توسل یک ربی به قبر پدرش

در داستانی دیگر در تلمود، درباره ریبی به نام مانی<sup>۳</sup> (۲۹۰م) گفته شده است که وی چون از دست آزار عده‌ای به ستوه آمده بود به حالت سجده به روی قبر پدرش، ربی یونا،<sup>۴</sup> افتاد و از او خواست که وی را از شر آنان نجات دهد. روزی آن عده، که در حال عبور از کنار آن قبر بودند، پای اسپشان داخل زمین گیر کرد و آنان تا بر رفع اذیت و آزار مانی تصمیم نگرفتند، پای اسپشان از زمین خارج نشد. (Taanit 23b:11)

### شفای چشم با توسل به صاحب قبر

در تلمود بابلی از یک ربی سخن به میان آمده است که به علت نافرمانی، دیدگانش را از دست می‌دهد. وی برای شفای چشمش خود را بر قبر ربی حیا می‌اندازد و از او می‌خواهد برایش دعا کند که در نتیجه چشمانش تا حدود زیادی خوب می‌شود. (Bava Metzia 85b)

### طلب شفا از خاک قبر

توجه به قبور در یهود تنها به زیارت و درخواست از آنها نبود، بلکه از خاک قبر نیز بهره می‌بردند و حتی گروهی برای خود مقداری خاک قبر برمی‌داشتند؛ زیرا باور داشتند برای از بین بردن تب مفید است. نقل شده عده‌ای از آنها نزد

1. [https://www.sefaria.org/Bava\\_Metzia.85b](https://www.sefaria.org/Bava_Metzia.85b).

2. Jacob Emden.

3. Mani.

4. Jonah.



ساموئل رفتند و در این باره سؤال کردند. ساموئل گفت: «که خاک قبر بخشی از زمین است و استفاده از زمین ممنوعیتی ندارد». (Sanhedrin, 47b:7)

#### برپا کردن مدرسه دینی بر مزار حزقیا

آمده است پس از مرگ پادشاه حزقیا مدرسه‌ای دینی بر سر مزارش ساختند تا در آن تورات آموزش داده شود. (Bava Kamma, 16b: 24)

#### زنده بودن بزرگان یهود پس از مرگ

طی قرن هجدهم میلادی، رسمی پا گرفت که در آن مردم گرد قبور افراد صالح جمع می‌شدند و دعا می‌خواندند. حیم داوود آزولای<sup>۱</sup> (۱۸۰۶م) در تأیید این رسم و با استناد به تلمود، این افراد صالح یهودی مدفون را زنده می‌دانست (Berachos 18b) و برای تأیید نظرش از منبعی نقل می‌کرد که ربی یهودا هاناسی<sup>۲</sup> (۲۱۷م) پس از مرگش هر جمعه شب نزد خانواده‌اش می‌رفت و برایشان دعای مخصوص می‌خواند. (ZURIEL, 2013, p.208)

#### عدم نیاز به فاصله بین قبور بزرگان و زائرانشان

ربی یوسف میگاش<sup>۳</sup> (۱۱۴۱م)، با تأیید تکریم عالم یهودی پس از مرگش، هر نوع محدودیت در فاصله‌گذاری میان قبر و زائرش را بی‌جهت می‌دانست. (ZURIEL, 2013, p.209)

#### توسل به مردگان در اعیاد

در میشنا برورا<sup>۴</sup> که یکی از منابع معروف فقهی یهود است، به نقل از

1. Chaim Yosef David Azulai.

2. Yehudah HaNasi.

3. Yosef Migash.

4. Mishnah Berurah.

ربی رما<sup>۱</sup> (۱۵۷۲م) آمده است که بزرگان یهود رسم داشتند در عید سال نو و یوم کیپور به قبرستان بروند تا قلبشان را نرم کنند. سنت آنها بر این شیوه بود که وقتی در قبرستان هستند، حاجت‌ها و دعاهايشان را بخوانند؛ زیرا نرمی دل در استجاب دعا مؤثر است و دعای مردگان به آنها کمک می‌کند؛ همانگونه که کالب نزد قبر ابراهیم عليه السلام رفت و دعا کرد. (Meir Kagan, 559: 41)

#### توسل به قبر صدیقان یهود

اسرائیل کاگان<sup>۲</sup> (م ۱۹۳۳) در میشنا برورا زیارت قبور صدیقان<sup>۳</sup> را تأیید می‌کند و شرایط استجاب دعا را در آنجا فراهم‌تر می‌داند، اما تذکر می‌دهد که نباید هنگام دعا توجه خود را به آن صدیق متمرکز کرد؛ بلکه باید از خدا خواست به‌خاطر ویژگی‌های آن صدیق مدفون دعایشان را مستجاب کند. (Meir Kagan, 581: 28). در تلمود از قول ربی یهودا هاناسی گفته شده است اگر انسان‌های صالح (صدیق) در عمرشان افراد بزرگی بودند، بعد از مرگشان این حقیقت بیشتر صادق است. (Chullin, 7b:10)

#### ج) منابع عرفانی

مسئله زیارت و توجه به قبور بزرگان در کابالا، که فرقه عرفانی یهود است، اهمیت ویژه‌تری دارد؛ به طوری که می‌توان تعالیم این فرقه را علت اصلی گسترش این سنت در یهود دانست. یکی از اندیشمندان این فرقه به نام حیم ویتال<sup>۴</sup> (۱۶۲۰م)، که از شاگردان اسحاق لوریا<sup>۵</sup> (۱۵۷۲م) و از بزرگان این فرقه است، در کتابش می‌نویسد: «استاد من، اسحاق، قادر بود روح افراد صالح را در هر زمان و

1. Rema.
2. Israel kagan.
3. Tzadikim.
4. Hayyim Vital.
5. Isaac Luria.

مکانی، به خصوص بر سر قبورشان، ببیند؛ چون که «نفس» آنان در آنجا بیشتر حضور دارد». وی در ادامه می‌نویسد: «اسحاق حتی می‌توانست از دور نفس یک انسان بزرگ را روی قبرش ببیند و از همین راه به مکان خاکسپاری افراد صالح پی می‌برد؛ او با آنان صحبت می‌کرد و بسیاری از اسرار تورات را از آنان می‌آموخت». سپس می‌نویسد: «من در بسیاری از مواقع اطلاعات فراگرفته از آن نفوس را بررسی می‌کردم و صحت آن بر من آشکار می‌شد و اگر بخواهم تمام آن داستان‌ها را بازگو کنم، این کتاب تمام نخواهد شد. (Vital, 37:2-3)

## ۲. شواهد ممنوعیت زیارت و توسل به قبور

در تعالیم رسمی یهود بر نفی هرگونه رفتار شرک‌آلود نسبت به خداوند تأکید شده و تنها خداوند شایسته خواندن دانسته شده است (Siddur Ashkenaz, Thirteen Principles, 5). در تلمود اورشلمی آمده است که خداوند می‌گوید: «اگر انسانی نیازمند است، نباید میکائیل و جبرئیل را بخواند؛ بلکه باید مرا بخواند و من فوراً پاسخ او را می‌دهم». (Berakhot, 9.1: 13-22)

در اینجا نیز شواهدی داریم که در مجموع بر نهی زیارت قبور و توسل به آنان دلالت دارد. برخی از این شواهد در پاسخ به شواهد دسته اول بیان شده است. این شواهد را در دو دسته از منابع، یعنی عهد قدیم و تلمود و منابع فقهی، می‌توان جای داد.

### الف. عهد قدیم

#### نامشخص بودن قبر موسی عليه السلام

درباره تدفین موسی در سفر تشبیه گفته شده است: «خداوند او را در دره‌ای نزدیک بیت فغور در سرزمین موآب دفن نمود، ولی تا به امروز هیچ‌کس مکان دفن او را نمی‌داند». در برخی از تفسیرها علت پنهان ماندن قبر موسی، ترس از تبدیل شدن موسی به یک بت، و تبدیل شدن محل قبرش به عبادتگاه دانسته شده

است (Tobiah, Deuteronomy 34:6:1). آنچه این تفسیر را تأیید می‌کند، گرایش‌های پیشین قوم یهود به بت‌پرستی، از جمله ماجرای گوساله سامری، است.

### ب. تلمود و منابع فقهی

زیارت قبور، عملی نزدیک به احضار ارواح در سفر تثنیه آمده است:

وقتی وارد سرزمین موعود شدید، مواظب باشید که از آداب و رسوم نفرت‌انگیز قوم‌هایی که در آنجا زندگی می‌کنند، پیروی نکنید. مثل آنها بچه‌های خود را روی آتش قربانگاه قربانی نکنید. هیچ یک از شما نباید به جادوگری پردازد یا غیب‌گویی و رمالی و فال‌گیری کند یا ارواح مردگان را احضار نماید. خداوند از تمام کسانی که دست به چنین کارهایی می‌زنند متنفر است. به‌خاطر انجام همین کارهاست که خداوند، خدایتان، این قوم‌ها را ریشه کن می‌کند. شما باید در حضور خداوند، خدایتان، پاک و بی‌عیب باشید.

در آیه یازدهم از احضار ارواح نهی شده است. یوئل سیرکس<sup>۱</sup> (۱۶۴۰م) در کتابش استفتایی از استاد خود نقل می‌کند که در آن از وی درباره افرادی که عادت به رفتن به قبرستان دارند سؤال شده است؛ وی در پاسخ گفته است: «رفتن مداوم به قبرستان نزدیک به عمل احضار ارواح است که در آیه یازدهم سفر تثنیه از آن نهی شده است». (Sirkis, 1923, Yoreh Deah, 217: 58:1)

### ممنوعیت خواندن تورات و دعا بر سر قبر

در تلمود بابلی از پوشیدن تفیلین<sup>۲</sup> و خواندن تورات بر سر قبور منع شده است؛

1. Joel Sirkis.

۲. به تسمه نوار چرمی و جعبه کوچک همراه آن - که وسیله‌ای نیایشی در دین یهود است - گفته می‌شود و هنگام نماز و دعای روزانه به درگاه پروردگار، هر فرد مذکری که به سن تکلیف، یعنی ۱۳ سال و یک روز، رسیده باشد، باید آن را به دست‌چپ (در افراد دست‌چپ بر روی دست راست) و پیشانی خود ببندد (ویکی‌پدیا).

زیرا آن را تمسخر مردگان دانسته‌اند. (Berachos 18a) ابن میمون (۱۲۰۴م)، عالم برجسته یهودی، علاوه بر این ممنوعیت، خواندن هر دعایی را بر سر قبور نهی کرده است (Moshe ben Maimon, Aveilus 14:13) و همین ممنوعیت در شولخان آروخ تکرار شده است (Yoreh De'ah, 367:3). علت اضافه کردن این ممنوعیت را وجود آن در تلمودی دانسته‌اند که در دست افرادی همچون ابن میمون بوده است. (ZURIEL, 2013, p.208)

#### رد توسل به مردگان در هنگام سختی

ابن میمون درباره سنت زیارت قبور هنگام خشکسالی، که در قسمت پیش بیان شد، می‌گوید تنها علت آن ایجاد فروتنی و تواضع در انسان است و توسل به مردگان به عنوان دلیل این کار را نفی می‌کند (Moshe ben Maimon, Hilchos Taanis, 4:18). مرجع استدلال وی، تلمود اورشلمی است که تنها به همین یک دلیل اشاره کرده است. گفتنی است در فقه یهود هرگاه بین تلمود بابلی و اورشلمی اختلافی رخ دهد، تلمود اورشلمی اولویت دارد. (ZURIEL, 2013, P. 211)

#### رد علامت‌گذاری قبور بزرگان

ابن میمون همین‌طور درباره گذاشتن سنگ قبر بر گور عالمان یهود مخالف است و می‌گوید یاد آنها باید با کلماتشان زنده بماند، نه با سنگ قبر (Moshe ben Maimon, Aveilus, 4: 4). این کلام با آنچه ربی یعقوب آمدن درباره توجیه علت علامت‌گذاری قبور توسط ربی ریش لاکیش گفته بود مخالف است.

#### عدم خلط مباحث اخلاقی با فقهی

آگادا برای بیان آموزه‌های اخلاقی است و در فقه یهود یا همان هلاخا کاربردی ندارد؛ آگادا مجموعه‌ای از تعالیم مرموز است که به راحتی قابل فهم برای همه نیست و از این رو نمی‌توان در هلاخا به آن رجوع کرد. (ZURIEL, )

212, P.213) مواردی همچون رفتن به غار مخپلا، افتادن بر قبر و تقاضای شفا برای بیماری که در تلمود بیان شده است، از جمله «آگادا»<sup>۱</sup> است.

#### عدم قدرت مرده بر شنیدن

برخی از بزرگان یهود باور دارند مرده پس از فوت قادر به شنیدن نیست؛ چه اینکه کسی بخواهد به مزار وی برود و از او درخواست کمک کند. دلیل منع از خواندن تورات بر سر قبر، توهین و شرمندگی مردگان نیست تا این شبهه ایجاد شود که مردگان صدای ما را می‌شنوند، بلکه به این علت است که قبرستان، که دربردارنده اجساد است، محل پاکی برای خواندن تورات و دعا نیست. خواندن دعا برای تکریم متوفی، که در هلاخا اجازه داده شده است، به معنای این نیست که مرده تکریم را می‌فهمد؛ بلکه این مسئله تنها وظیفه‌ای است بر دوش زندگان، بدون اینکه بر شنیدن متوفا دلالت کند. اینکه گفته‌اند اگر کسی به مرده‌ای توهین کرد باید به قبرستان و نزد قبر آن فرد برود و عذرخواهی کند، نشان از این نیست که مرده می‌شنود، بلکه او از خدا طلب بخشش می‌کند. (ZURIEL, 2013, P.213-218)

#### رد سنت توسل به مردگان در اعیاد

درباره سنتی که از رما در روز عید سال نو و یوم کیپور نقل شد، برخی گفته‌اند باید توجه داشت که این سخنان به درستی از او نقل نشده است و رفتن به قبرستان و خواندن دعا «سنت عامه»<sup>۲</sup> بوده است، نه سنت دینی یهود که باید از تورات نشئت گرفته باشد. (ZURIEL, 2013, p. 215)

#### سیره عملی برخی عالمان یهودی بر ترک زیارت قبور

طیفی افراطی از عالمان یهود وجود دارند که به طور کامل زیارت قبور را

1 Aggadah.

2 minhag ha'am.

ترک کرده‌اند. ربی ویلنا گائن<sup>۱</sup> (۱۷۹۷م)، ربی جوزف سولوچیک<sup>۲</sup> (۱۸۹۲م)، پسر وی حیم<sup>۳</sup> (۱۹۱۸) و نوه‌اش موسی<sup>۴</sup> (۱۹۴۱م) هرگز به قبرستانی نرفتند زیرا می‌گفتند یاد مرگ هنگام زیارت قبور آنان را از تلاش‌های بسیارشان در فراگیری تورات بازمی‌دارد (Soloveitchik, 1984, p.36). ربی ویلنا گائن در وصیت به خانواده خود می‌گوید: «از رفتن به قبرستان پرهیز کنید، به‌ویژه زنان؛ زیرا موجب انواع غصه و گناه می‌شود» (Gaon).

## منابع حدیثی

### ۱. روایات اهل سنت

در روایات اهل سنت هشدارهای شدیدی درباره تقدیس قبور بیان شده است؛ گویی که علت آن، رفتار ملت‌های پیشین است که قبور بزرگانشان را محل عبادت قرار می‌دادند (قرطبی، ۱۳۸۴، ج ۱۰، ص ۳۸۱-۳۸۰؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۴۱). طبق برخی روایات، پیامبر اکرم ﷺ یهود و مسیحیت را برای اینکه قبور انبیایشان را مسجد قرار دادند لعن و نفرین کردند.<sup>۵</sup>

در روایتی از عایشه رسیده است که ام حبیبه و ام سلمه کنیسه‌ای در حبشه دیدند که در آن تصاویری وجود دارد. آن دو آنچه را دیده بودند برای پیامبر ﷺ نقل کردند و ایشان فرمود: «زمانی که فرد صالحی میان آنان از دنیا می‌رفت، روی قبرش مسجدی احداث می‌کردند و چنین نقش‌هایی در مسجد می‌کشیدند».

1. Vilna Gaon.

2. Joseph Dov Soloveitchik.

3. Chaim Soloveitchik.

4. Moshe Soloveichik.

۵. «لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ، اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ» (بخاری، صحیح بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۹۱)؛ «قَاتَلَ اللَّهُ الْيَهُودَ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ» (مسلم، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۷۶)؛ «لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ وَ النَّصَارَى، اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ». (همان، ص ۳۷۷)

آن‌گاه پیامبر ﷺ فرمود: «آنان بدترین آفریدگان خدا در روز قیامت‌اند».<sup>۱</sup> پیامبر اکرم ﷺ طبق روایات اهل سنت از این امر نگران بود که قبر ایشان پس از درگذشتشان همچون سنت یهود و مسیحیت، محل عبادت مسلمانان قرار گیرد. در روایتی از جنذب نقل شده است که پیامبر اکرم ﷺ پنج روز قبل از رحلت‌اش فرمود:

من به خدا پناه می‌برم که از میان شما برای من خلیل و دوستی وجود داشته باشد؛ زیرا خداوند من را به دوستی برگزید، همانگونه که ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام را دوست گرفت. اگر می‌خواستم دوستی برگزینم، همانا ابابکر را به دوستی می‌گرفتم. آگاه باشید آنان که پیش از شما بودند، قبر پیامبران و صالحان‌شان را مسجد قرار می‌دادند؛ گورها را مسجد قرار ندهید که من شما را از آن نهی کردم.<sup>۲</sup>

در روایت دیگری عایشه می‌گوید: «پیامبر ﷺ در مرضی که بعد از آن از دنیا رفت، یهود و نصاری را به خاطر مسجد قرار دادن قبر پیامبرانشان لعن کرد». سپس عایشه یادآوری می‌کند اگر به خاطر سنت یهود و نصاری نبود، قبر پیامبر ﷺ برجسته و آشکار ساخته می‌شد، اما به سبب ترس از مسجد قرار گرفتن آن، مسطح ساخته شد.<sup>۳</sup>

۱. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى عَنْ هِشَامٍ قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبِي عَنْ عَائِشَةَ: أَنَّ أُمَّ حَبِيبَةَ وَأُمَّ سَلَمَةَ ذَكَرْنَا كَيْسَةَ رَأَيْتَهَا بِالْحَيْبَةِ، فِيهَا تَصَاوِيرٌ، فَذَكَرْنَا لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: إِنَّ أَوْلَيْكَ إِذَا كَانَ فِيهِمُ الرَّجُلُ الصَّالِحُ قَامَتْ بَنُو عَلَى قَبْرِهِ مَسْجِدًا وَصَوَّرُوا فِيهِ تِلْكَ الصُّورَ، فَأَوْلَيْكَ شِرَارُ الْخَلْقِ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (ابن حنبل، المسند، ج ۴۰، ص ۲۹۶).

۲. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ النَّجْرَانِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي جُنْدُبٌ قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَبْلَ أَنْ يَمُوتَ بِخَنْسِ وَهُوَ يَقُولُ: «إِنِّي أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ أَنْ يَكُونَ لِي مِنْكُمْ خَلِيلٌ. فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ اخْتَارَ خَلِيلًا، كَمَا اخْتَارَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا. وَلَوْ كُنْتُ مُتَّخِذًا مِنْ أُمَّي خَلِيلًا لَأَخْتَارْتُ أَبَا بَكْرٍ خَلِيلًا. أَلَا وَإِنْ مِنْ كَانَ قَبْلَكُمْ كَانُوا يَتَّخِذُونَ قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ وَصَالِحِيهِمْ مَسَاجِدَ. أَلَا فَلَا تَتَّخِذُوا الْقُبُورَ مَسَاجِدَ، إِنِّي أَنهَاكُمْ عَنْ ذَلِكَ» (مسلم، صحيح مسلم، ج ۱، ص ۳۷۷).

۳. حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ وَعُمَرُو النَّاقِدُ. قَالَ: «حَدَّثَنَا هَاشِمُ بْنُ الْقَاسِمِ حَدَّثَنَا شَيْبَانُ عَنْ هِلَالِ بْنِ أَبِي حَمِيدٍ، عَنْ عُرْوَةَ بِنِ الرَّبِيعِ، عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي مَرَضِهِ الَّذِي لَمْ يَقُمْ مِنْهُ: «لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى. اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ». قَالَتْ: فَلَوْ لَا ذَلِكَ أُبْرِزَ قَبْرُهُ. عَزَّ اللَّهُ خُشْيَى أَنْ يَتَّخَذَ مَسْجِدًا. (همان، ص ۳۷۶).



در روایت دیگری ابن عباس به همراه عایشه روایت می‌کنند در روزهای واپسین عمر پیامبر ﷺ ایشان پارچه‌ای بر صورت قرار می‌داد و پس از مدتی آن را از چهره کنار می‌زد و یهود و مسیحیت را برای مسجد قرار دادن قبر پیامبران لعن می‌کرد و مسلمانان را از آنچه آنان انجام می‌دادند، برحذر می‌داشت.<sup>۱</sup> در حدیثی نیز آشکارا ایشان از خداوند درخواست می‌کند که قبرش را همچون بتی برای پرستش مردم قرار ندهد. ایشان در ادامه حدیث از خشم خدا نسبت به مسجد قراردهندگان قبور انبیا سخن می‌گوید.<sup>۲</sup>

هشدارها در روایات اهل سنت محدود به قبر خود پیامبر ﷺ نیست و دیگر قبور را نیز در بر می‌گیرد. در این روایت‌ها نهی و لعن پیامبر ﷺ افزون بر تبدیل شدن قبور به محلی برای عبادت، شامل برجسته ساختن قبور،<sup>۳</sup> نشستن،<sup>۴</sup> زیارت<sup>۵</sup> و قرار دادن چراغ بر روی آنها<sup>۶</sup> نیز می‌شود. البته در برخی اخبار، ممنوعیت زیارت قبور برداشته شده است؛ برای مثال ابوهریره نقل می‌کند که پیامبر ﷺ نزد

۱. أَخْبَرَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ؛ أَنَّ عَائِشَةَ وَعَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَبَّاسٍ قَالَا: لَمَّا نُزِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، طَفِقَ يَطْرُقُ

حَيْصَةَ لَهُ عَلَى وَجْهِهِ. فَيَذَا أَعْتَمَ كَسَفَهَا عَنْ وَجْهِهِ. فَقَالَ، وَهُوَ كَذَلِكَ: «لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى؛ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ»؛ يُحَدِّثُ مِثْلَ مَا صَنَعُوا. (دارمی، مسند الدارمی، ج ۲، ص ۸۱)

۲. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ قَبْرِي وَتَنَاءُيَعْبُدُ. اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى قَوْمٍ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ». (مالک، موطأ الامام مالک، ج ۲، ص ۲۴۰؛ دارمی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۸۱).

۳. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مَهْدِيٍّ، حَدَّثَنَا سُفْيَانُ، عَنْ حَبِيبِ بْنِ أَبِي تَابِتٍ، عَنْ أَبِي وَائِلٍ: أَنَّ عَلِيًّا قَالَ لِأَبِي الْهَيْبِ الْأَسَدِيِّ: أَبْعَثْكَ عَلَى مَا بَعْتَنِي بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَنْ لَا تَدْعَ قَبْرًا مُشْرِفًا إِلَّا سَوَّيْتَهُ، وَلَا تَمْسُ إِلَّا لَطَمَسْتَهُ». (ترمذی، سنن الترمذی، ج ۳، ص ۲۳۸)

۴. أَبَا تَمْرُذٍ الْغَنَوِيِّ، يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَا تَجْلِسُوا عَلَى الْقُبُورِ، وَلَا تَصَلُّوا عَلَيْهَا». (ابن حنبل، المسند، ج ۲۸، ص ۴۵۱)

۵. حَدَّثَنَا أَبُو دَاوُدَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَوَانَةَ، عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبِي سَلَمَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَعَنَ اللَّهُ زَوَارَاتِ الْقُبُورِ». (طبالسی، مسند ابی داود الطیالسی، ج ۴، ص ۱۱۳)

۶. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ كَثِيرٍ، أَخْبَرَنَا شُعْبَةُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُحَادَةَ قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا صَالِحٍ يُحَدِّثُ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زَوَارَاتِ الْقُبُورِ، وَالتَّخْيِيزِينَ عَلَيْهَا الْمَسَاجِدَ وَالتَّسْرُجَ». (ابوداود سجستانی، سنن ابی داود، ج ۳، ص ۱۴۰۷؛ نسائی، سنن النسائی، ج ۱، ص ۶۵۷) ترمذی این حدیث را حسن می‌داند. (ترمذی، سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۰۹)

قبر مادرش رفت و ایشان و اطرافیانش شروع به گریه کردند. سپس پیامبر ﷺ فرمود: «اجازه گرفتم تا برای مادرم طلب بخشایش کنم، اما اجازه نیافتم و سپس از خداوند اجازه زیارت قبرش را درخواست کردم؛ آن گاه اجازه یافتم». پیامبر ﷺ در پایان حدیث فرمود: «به زیارت قبرها بروید که یادآور مرگ است».<sup>۱</sup> در روایت دیگری پیامبر ﷺ، ضمن یادآوری نهی اولیه از سوی ایشان برای زیارت قبور، پندآور بودن زیارت قبور را دلیل اجازه آن معرفی می‌کند.<sup>۲</sup>

روایات گفته شده از نظر سندی عمدتاً در کتب صحاح و منابع معتبر اهل سنت بیان شده است و نمی‌توان از دیدگاه اهل سنت به اعتبار آن خدشه خاصی وارد کرد.

## ۲. روایات شیعه

از روایات شیعه همچون روایات اهل سنت برمی‌آید از هر آنچه تعبد به قبر را برساند نهی شده است؛ گویی که علت آن ترس از نفوذ سنت یهود میان شیعه بوده است. در روایتی زراره از امام باقر علیه السلام درباره نماز میان قبور سؤال می‌کند و امام علیه السلام در پاسخ، نماز بین قبرها را اجازه می‌دهد، اما جایز نمی‌داند که به منزله قبله و به سوی آن نماز گزارده شود. در ادامه نیز ایشان گوشزد می‌کنند پیامبر ﷺ از قبله و مسجد قرار گرفتن قبرش نهی کرد و کسانی که قبور پیامبران را مسجد قرار می‌دادند، ملعون خداوند شمرد.<sup>۳</sup>

۱. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَلْمَانَ الْأَنْبَارِيُّ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُثَيْبٍ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ كَيْسَانَ، عَنْ أَبِي حَازِمٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ: أَمَّا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَبْرُ أُمِّهِ فَبِكِي وَابْكِي مِنْ حَوْلِهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اسْتَأذَنْتُ رَبِّي تَعَالَى عَلَى أَنْ أَسْتَغْفِرَ لَهَا فَلَمْ يُؤْذَنْ لِي، فَاسْتَأذَنْتُ أَنْ أُرْوَرَ قَبْرَهَا، فَأُذِنَ لِي، فَزُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تَذَكَّرُ بِأَلْوَتِ». (ابوداود سجستانی، سنن أبي داود، ج ۳، ص ۱۴۰۷)

۲. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ، حَدَّثَنَا مُعَرِّفُ بْنُ وَاصِلٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ دِنَارٍ، عَنْ ابْنِ بَرِيْدَةَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «تَبَيَّنْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَزُورُوهَا؛ فَإِنَّ فِي زِيَارَتِهَا تَذَكُّرَةً». (همان)

۳. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَرْبٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ الصَّلَاةُ بَيْنَ الْقُبُورِ قَالَ صَلَّى فِي جَلَالِهَا وَلَا تَتَّخِذْ سَبِيلاً مِنْهَا قِبَلَةً فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «وَلَا تَتَّخِذُوا قَبْرِي قِبَلَةً وَلَا مَسْجِدًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَعَنَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ». (شيخ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۵۸)

در حدیثی هم معنا از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نماز بین قبور اشکالی ندارد، تا زمانی که به مثابه قبله در نظر گرفته نشود». <sup>۱</sup> البته در برخی روایات، نماز به سوی قبله در حالی که قبر امام علیه السلام روبه روی انسان باشد، اجازه داده شده است؛ اما از سجده بر قبر امام علیه السلام، حتی به قصد زیارت، منع شده است. <sup>۲</sup>

همین طور در روایات از بنای مسجد بر قبور <sup>۳</sup> یا احداث هر بنایی بر آن، نشستن بر قبر، گچ کاری، گل کاری <sup>۴</sup> و برجسته ساختن آن <sup>۵</sup> نهی شده است. از این نهی ها، آبادسازی قبور معصومان علیهم السلام استثنا شده است. <sup>۶</sup>

۱. مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حُكَيْمٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنِ الرَّضَا علیه السلام قَالَ: «لَا بَأْسَ بِالصَّلَاةِ بَيْنَ الْقُبْرِ وَمَا لَمْ يَتَّخِذِ الْقَبْرَ قِبْلَةً». (طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۲۸).

۲. رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْجُمَيْرِيُّ قَالَ: «كُتِبَتْ إِلَى الْفَقِيهِ علیه السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَزُورُ قُبُورَ الْأَيِّمَةِ علیهم السلام هَلْ يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَسْجُدَ عَلَى الْقَبْرِ أَمْ لَا وَهَلْ يَجُوزُ لِمَنْ صَلَّى عِنْدَ قُبُورِهِمْ أَنْ يَقُومَ وَرَاءَ الْقَبْرِ وَيَعْمَلِ الْقَبْرَ قِبْلَةً وَيَقُومَ عِنْدَ رَأْسِهِ وَرِجْلَيْهِ وَهَلْ يَجُوزُ أَنْ يَتَقَدَّمَ الْقَبْرَ وَيُصَلِّيَ وَيَجْعَلَهُ خَلْفَهُ أَمْ لَا فَأَجَابَ علیه السلام وَقَرَأْتُ التَّوْقِيعَ وَ مِنْهُ نَسَخْتُ: أَمَّا السُّجُودُ عَلَى الْقَبْرِ فَلَا يَجُوزُ فِي نَافِلَةٍ وَلَا فَرِيضَةٍ وَلَا زِيَارَةٍ بَلْ يَضَعُ خَلْفَهُ الْأَيْمَنَ وَعَلَى الْقَبْرِ وَ أَمَّا الصَّلَاةُ فَإِنَّهَا خَلْفَهُ يَجْعَلُهُ الْأَمَامَ وَلَا يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَ بَيْنَ يَدَيْهِ لِأَنَّ الْإِمَامَ لَا يُتَقَدَّمُ وَيُصَلِّيَ عَنْ يَمِينِهِ وَ شِئَالِهِ». (همان)

۳. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَعَاةَ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ وَ بِنَاءِ الْمَسَاجِدِ فِيهَا فَقَالَ: أَمَّا زِيَارَةُ الْقُبُورِ فَلَا بَأْسَ بِهَا وَ لَا تُبْنَى عِنْدَهَا الْمَسَاجِدُ». (كلینی، الكافي، ج ۳، ص ۲۲۸)

۴. أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ رَجَاهُ اللَّهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَنْسَبِاطٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى علیه السلام عَنِ الْبِنَاءِ عَلَى الْقَبْرِ وَ الْجُلُوسِ عَلَيْهِ هَلْ يَصْلُحُ قَالَ: لَا يَصْلُحُ الْبِنَاءُ عَلَيْهِ وَ لَا الْجُلُوسُ وَ لَا تَحْضِيضُهُ وَ لَا تَطْيِينُهُ (عريضي، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۲۱۲). البته درباره گچ کاری قبور روایت متعارضی نیز نقل شده است و شیخ طوسی آن را حمل بر کراهت کرده است: فَأَمَّا مَا رَوَاهُ سَهْلُ بْنُ زَيْدٍ عَنِ ابْنِ حُبُوبٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: «لَمَّا رَجَعَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى علیه السلام مِنْ بَغْدَادَ وَ مَضَى إِلَى الْمَدِينَةِ مَاتَتْ ابْنَتُهُ لَهُ بِقَيْدٍ فَدَفَنَهَا وَ أَمَرَ بَعْضَ مَوْلَاهِ أَنْ يُجَبِّصَ قَبْرَهَا وَ يَكْتُبَ عَلَى لَوْحٍ اسْمَهَا وَ يَجْعَلَهُ فِي الْقَبْرِ». (طوسی، الإستبصار، ج ۱، ص ۲۱۷)

۵. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَقَالَ لَا تَدْعُ صُورَةَ إِلَّا تَحَوَّنَهَا وَ لَا قَبْرًا إِلَّا سَوَّيْتَهُ وَ لَا كَلْبًا إِلَّا قَتَلْتَهُ». (كلینی، الكافي، ج ۶، ص ۵۲۸)

۶. درباره آباد کردن قبور معصومان علیهم السلام هم عمل قاطبه امامیه به این امر تعلق گرفته است و هم روایات ←

روایات شیعه عمدتاً در کتب اربعه و دیگر کتب معتبر شیعی بیان شده است و نمی‌توان به اعتبار آنان اشکال خاصی وارد کرد.

### نتیجه‌گیری

آنچه از شواهد یهودی و مسیحی برداشت می‌شود این است که رسم زیارت، توسل و حتی سجده بر قبور، به ویژه قبر صالحان،<sup>۱</sup> در میان عامه مردم یهود جاری بوده است و به تعبیری که بیان شد، جزو «سنت عامه» یا minhag ha'am<sup>۲</sup> به شمار می‌رفته است. آیه ۲۱ سوره کهف که سخن از ساخت مسجد بر مزار اصحاب کهف می‌کند نیز نشان‌دهنده وجود چنین سنتی در میان حداقل بخشی از مردم آن زمان است؛ سنتی که قرآن دست کم با قسمتی از آن، یعنی ساخت مسجد بر قبور، موافق است.

این سنت عامه با دو نوع برخورد از سوی عالمان یهود مواجه شد:

- یک گروه از عالمان این سنت را پذیرفتند و حتی آن را در احکام فقهی خود وارد کردند؛ بیشترین پذیرش این سنت عامه از سوی عارفان یا کابالایست‌ها انجام شد و آن را نیز اشاعه دادند.

- اما گروه دیگر احتمالاً از ترس پیشینه بت‌پرستی قوم یهود و ماجرای گوساله سامری، تا توانستند در احکام فقهی و سیره عملی خود با زیارت، توسل و احترام به قبور مقابله کردند و شواهد دال بر توجه به قبور را «آگادا»

→ به این مسئله تصریح کرده‌اند؛ برای مثال: عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ لَهُ...: «يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قَبْرَكَ وَ قَبْرَ وُلْدِكَ بِقَاعاً مِنْ بَقَاعِ الْجَنَّةِ وَ عَرْضَةً مِنْ عَرْضَاتِهَا وَ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُلُوبَ نَجَبَاءٍ مِنْ خَلْقِهِ وَ صَفْوَتِهِ مِنْ عِبَادِهِ نَحْنُ إِلَيْكُمْ وَ تَحْتَمِلُ الْمَذَلَّةَ وَ الْأَذَى فِيكُمْ فَيَعْمُرُونَ قُبُورَكُمْ وَ يُكْتَبُونَ زِيَارَتَهَا تَقْرَباً مِنْهُمْ إِلَى اللَّهِ مَوَدَّةً مِنْهُمْ لِرَسُولِهِ أَوْلِيكَ يَا عَلِيُّ الْمُخْصُوصُونَ بِشَفَاعَتِي... يَا عَلِيُّ مَنْ عَمَرَ قُبُورَكُمْ وَ تَعَاهَدَهَا فَكَاتَبَتْهَا أَعْيَانُ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلِيَّ بِنَاءِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ». (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۲)

1. Tzadikim.

۲. می‌توان آن را در عربی «منهاج عام» نیز ترجمه کرد.

خواندند و آن را تنها آموزه‌هایی اخلاقی دانستند که جایگاهی در هلاخا و فقه یهود ندارد.

آنچه از روایات اسلامی برمی‌آید این است که این سنت یهود در عصر پیامبر ﷺ در حجاز و اطراف آن شکلی شرک‌آمیز به خود گرفته بوده است. از این رو می‌توان گفت به سبب جلوگیری از نفوذ چنین رفتارهایی میان مسلمانان، چنان نهی‌هایی در روایات پدید آمد.

شاید کسی سخن قرآن از قتل انبیا به دست یهود را مانع پذیرفتن وجود این سنت عامه میان یهود بداند؛ پاسخ آن است که طبق عهد جدید، این کار یا می‌تواند ناشی از ریاکاری قلمداد شود یا حاکی از ارتکاب قتل از سوی نسل‌های پیشین و پشیمانی نسل‌های بعد در یهود باشد.

## منابع

۱. قرآن کریم، (۱۳۷۳ش)، ترجمه: انصاریان حسین، قم، اسوه.
۲. کتاب مقدس، (۲۰۱۸م)، ترجمه: معاصر، کلورادو، چاپ بیلیکا.
۳. ابن حنبل، احمد بن محمد، (۱۴۱۶ق). **مسند الإمام أحمد بن حنبل**، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۴. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، (۱۳۸۸ق). **المغنی**، قاهره، مكتبة القاهرة الطبعة.
۵. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث، (۱۴۲۰ق). **سنن أبی داود**، قاهره، دارالحدیث.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۰ق). **صحیح البخاری**، قاهره، وزارة الاوقاف، چاپ دوم.
۷. ترمذی، محمد بن عیسی، (۱۴۱۹ق). **الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی**، قاهره، دارالحدیث.
۸. حیدری نسب، محمدباقر و دیگران، (۱۳۹۵ش). «نگاه تطبیقی دیدگاه وهابیت و مذهب حنفی در موضوع مسجد قرار دادن
- قبور اولیا»، **سلفی پژوهی**، ش ۴.
۹. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، (۱۴۲۱ق). **مسند الدارمی المعروف بسنن الدارمی**، ریاض، دارالمغنی.
۱۰. شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۳۸۵ش). **علل الشرائع**، قم، داوری.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۹۰ق). **الاستبصار فیما اختلف من الأخبار**، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق). **تهذیب الأحکام**، تحقیق خرسان، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
۱۳. طیالسی، سلیمان بن داود، (۱۴۱۹ق). **مسند أبی داود الطیالسی**، المحقق: الدكتور محمد بن عبدالمحسن التركي، مصر، دار هجر.
۱۴. عریضی، علی بن جعفر، (۱۴۰۹ق). **مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها**، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۱۵. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۸۴ق). **تفسیر القرطبی (الجامع لأحكام القرآن)**،

22. Sefer ha-Yashar, (1876), trans.  
Edward B.M. Browne, New York,  
Available at: [www.sefaria.org](http://www.sefaria.org).

23. Siddur Ashkenaz, (1981),  
trans. Avrohom Davis, Available  
at: [www.sefaria.org](http://www.sefaria.org).

24. Gaon Vilna, Iggeret HaGra,  
Available at: [www.sefaria.org](http://www.sefaria.org).

25. Karo Joseph, (1888), Shulchan  
Aruch, Lemberg, Available at:  
[www.sefaria.org](http://www.sefaria.org).

26. Meir Kagan, Israel, Mishnah  
Berurah, Available at:  
[www.sefaria.org](http://www.sefaria.org).

27. Moshe ben Maimon, Mishneh  
Torah, trans. Eliyahu Touger,  
Moznaim Pub, Available at:  
[www.chabad.org](http://www.chabad.org).

28. Sirkis Joel, (1923), Tur Yoreh  
Deah, Vilna, Available at:  
[www.sefaria.org](http://www.sefaria.org).

29. Soloveitchik Joseph, (1984),

تحقیق: أحمد البردونی و إبراهيم أطفیش،  
قاہرہ، دارالکتب المصریة، چاپ دوم.

۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق).  
الكافی، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ  
چهارم.

۱۷. مالک بن انس، (۱۴۲۵ق). موطأ الإمام  
مالک، ابوظبی، مؤسسة زاید بن سلطان آل  
نہیان للأعمال الخيرية و الإنسانية.

۱۸. مسلم بن حجاج، (۱۴۱۲ق). صحیح  
مسلم، قاہرہ، دارالحديث.

۱۹. نسائی، احمد بن علی، (بی تا). المجتبى  
من السنن (المشهور بسنن النسائی)، اردن،  
بيت الأفكار الدولية.

20. The Jerusalem Talmud, 1999-2015,  
edition by Heinrich W. Guggenheimer,  
Berlin, De Gruyter, Available at:  
[www.sefaria.org](http://www.sefaria.org).

21. Talmud bavli, with  
commentary by Rabbi Adin Even-  
Israel Steinsaltz, trans. William  
Davidson, Jerusalem, Koren Pub,  
Available at: [www.sefaria.org](http://www.sefaria.org).

Halakhic Man, Philadelphia,

Jewish Publication Society.

30. Tobiah ben Eliezer, (1884),

Midrash Lekach Tov on Torah,

Vilna, Available at:

[www.sefaria.org](http://www.sefaria.org).

31. Vital Hayyim, Sha'ar

HaGilgulim, Available at:

[www.sefaria.org](http://www.sefaria.org).

32. Zuriel Moshe, (2013), "Should

Visiting the Cemetery be

Encouraged or Discouraged?",

Ḥakirah, the Flatbush Journal of

Jewish Law and Thought, 15, pp.

207-225.